

جرايد اعلان می کنند ؟

وزیرمالیه - اگرچه بنده از سؤال آقای آقامیرزا سید حسین مسبوق بودم و هیئت رئیسه هم مستحضر بودند ولیکن برای استحضار خاطر آقایان نمایندگان باید عرض کنیم ترتیب ارزاق ولایات غیر مستقیم تغییر کرده است یعنی رئیس کل مالیه بعد از ورود مدتی بود اقدام میکرد ترتیبی برای تمرکز عایدات بدهد و بواسطه اهمیتی که در قسمت قشونی است اول زحمتی کشیدند که بتوانند ماه به ماه بودجه مصوبه مجلس را بوزارت جنگ بپردازند تا آنها هم در ولایات و جا های دیگر برای حقوق خودشان متعرض مامورین مالیه نشوند این قسمت را فعلاً موفقیت حاصل کرده اند و پیریز یکماه حقوق وزارت جنگ را دادند و کلیه اداراتی که عایدات آنها را وزارت جنگ به مصرف میرساند مجزا شده بود و فعلاً وزارت مالیه مشغول تحویل گرفتن آنها است که يك قسمت هم مسئله ارزاق است از ولایات و بعضی جاها که جنس بود يك قسمت را ارزاق میگرفت و يك قسمت را وزارت جنگ حالا تلگراف متعبدالعالی مغایره شده است که کلیه جنس و نقد را از مستقیم و غیر مستقیم باختیار مالیه بگذارند و جنس هم آنچه بوده است بایک دستور معین حمل کنند و مابقی را در محل نگاهدارند تا دستور فروش آنها برسد البته در آن قسمت جو کاشان هم اگر برای کاشان لازم باشد مخالفت نخواهد شد همیشه از قم و عراق جنس کاشان و جاهای دیگر حمل میشده و البته امسال هم باید بشود يك موضوعی هم که چند وقت قبل در مجلس سؤال شده و بنده عرض کردم پس از تحقیق بعرض میرسانم مدتی است نتیجه او حاصل شده است لازم دیدم برای استحضار خاطر آقایان عرض کنم راجع بوجهی بود که از خراسان بر کفرستاده بودند و جزء ارسالی منظور بود لیکن در مرکز گفتند نرسیده است بامعلوم نیست این موضوع را بیک کمیسیونی در وزارت مالیه رجوع کردند و پس از تحقیقات معلوم شد کلیه وجوهی که در سال ثیلان ثیل و یونت ثیل بر مرکز رسیده بوده است چهارصد و پنجاه هزار تومان بوده که دوپست و شصت هزار تومان آن ارسالی است که در حساب خراسان و مرکز نیست و صدونود و هشت هزار تومان وجوهی است که در حساب مالیه خراسان بعنوان ارسالی محسوب شده ولی در مرکز بوده است و این وجوهی است که بوزارت دربار از مرکز حواله شده است لیکن در آن موقع غفلت کرده اند زیرا وجوه پرداختی دربار جزء مرکز است و صندوق مرکز باید بدهد بعد که حواله بخراسان کردند لازم نبود که آن حواله را بفروستند صندوق مرکزی از يك

طرف جزء واردی و جمع بنویسند و از طرف جزء خرج اینکار نوشته شده است و حواله بخراسان رفته است و او هم بجزء حواله کرده است صورتش هست ولی در صندوق مرکزی نه در جمع و نه در خرج چیزی منظور نیست فقط در این رسیدگی که اخیراً شد معلوم شد که از این صد و نود و هشت هزار تومان آنچه که به دربار باید برسد صد و هشتاد و هشت هزار تومان بوده و ده هزار تومان آن نرسیده بعد معلوم شد در جزء وجوهی که رئیس مالیه خراسان گرفته ده هزار تومان هم جزء اختلافات اورفته است و جزء ارسال خودش منظور داشته بود ولی نرسیده است و ده هزار تومان هم جزء اختلافات آن تحویلدار است يك قسمت دیگری از این حساب ده هزار تومان بود که در آن سال بطومانیان حواله داده بودند و آن سالی بود که طومانیان خریداری جنس می کرد.

ولی این مبلغ جزء جمع حساب نیامده بود اخیراً بتجارخانه طومانیان رجوع شد معلوم شد باور رسیده است ولی او هم جزء حساب دولت منظور نداشته است بالاخره آنرا برگردانند و جزء مطالبات دولت از اداره طومانیان قرار دادند غیر از این مطلب سیصد و پانزده هزار تومان دیگر وجوهی است که از بابت قیمت غله روسها در موقعی که در خراسان بوده اند گرفته اند بعد که دوباره بخراسان رفته بود این سیصد و پانزده هزار تومان را جزء ارسالی مرکز منظور داشته است.

ولی معلوم نبود از چه بابت است بعد معلوم شد از بابت قیمت غله است که قشون روس از بعضی نقاط خراسان برده اند و روی هم رفته آنچه از این وجوه ارسالی فعلاً در دست هست و بدست آمده که محل بوده و از میان رفته بوده است بیست و سه هزار تومان و کسری است که دوازده هزار تومان جزء بدهی طومانیان منظور شده ده هزار تومان هم جزء حساب تحویلدار است که تقریباً قریب پنجاه و دوسه هزار تومان بدهکار است و سه هزار تومان هم از بابت قیمت غله قشون روس است که آنسال گرفته اند.

(بعضی گفتند اسم تحویلدار چیست)

میرزا محمد علی خان تحویلدار است و اسم او را هم آقایان شنیده اند بعد معلوم شد که مال يك سال هم نبوده است و از چندین سال قبل مندرجاً يك وجوهی اختلاس کرده است چون وجوه و اسناد در دست خودش بوده است بعد که کشف شده يك قسمت را بگردن کوملیس انداخت و يك مقداری را خود او برده بود و تقریباً سی و دوسه هزار تومان از اموال و خانه او را که داشت فروخته و از بابت طلب دولت حساب کردند مابقی بدهی او است و الان هم در طهران

است و مشغول تعقیب هستیم و نتیجه اش را شاید در موقع دیگر بعرض مجلس شورای ملی برسانم ولی چون این موضوع چندی بود که سؤال شده بود بعرض رساندم و يك موضوع دیگری هم که باید عرض کنم این است که چند روز قبل در مجلس شورای ملی رأی داده شد که خروج طلا و نقره از مملکت قذفن باشد این مطلب خیلی مهم است و حتی تقاضا و انتظار رئیس مالیه هم این بود که قبل از رأی دادن بنظر او برسد زیرا چون مسئله فنی است و در هر حال این مسئله رأی داده شده است ولی عرض می کنم که این موضوع چهار پنج سال است قذفن شده بوده است.

سلیمان میرزا ولی دولت همیشه اجازه داده است.

وزیرمالیه و اجازه که دولت می داده است برای زوار عتبات بوده است تا بیست تومان حق داده شده بود همراه خود ببرند ولی دولت دید این مبلغ زیاد است و خواستند کسر کنند حالا نمی دانم در مجلس شورای ملی چه قدر تصویب شده است که زوار حمل نمایند؟

(جمعی از نمایندگان -)

دوازده تومان)

و قسمت دیگری که دولت اجازه داده بود مقداری بود که بانک ملی خواست برای مصارف عملیات نفت جنوب ببرد.

سلیمان میرزا نصرت الدوله - بلی ما هم بهمین جهت منع کردیم وزیر مالیه و غالباً از راه داخله میبردند ولی بعضی اوقات زحمت کرایه برای آنها صرف نمیکرد.

بنابراین قرار شد بطوری که کاپوتاژ از کرمانشاه ببرند و از راه بغداد به محمره وارد کنند گمرک محمره عیناً تحویل میگردد ولی اصل مطلب راجع بخروج و صدور نقره بود که يك موضوع دیگری است و همیشه نمی شود گفت که خروج نقره فایده دارد مثلاً از دوماه قبل باینطرف دیگر نقره خارج نمی شود برای اینکه صرف ندارد و قیمت نقره در لندن از سی و هفت پسی و دو رسیده است.

ولی در دوسه ماه قبل فایده داشت و می بردند و هر صورت دولت میخواهد از اینکار جلوگیری کند و فقط تصمیم گرفتن کافی نیست بلکه باید وسائل جلوگیری را فراهم بیاورد و در دو نقطه است که بواسطه آن دولت دچار محظور است یکی در يك قسمت از خلیج و دیگری هم در قسمت پشت کوه که وسائل جلوگیری و مخالفت خیلی کم است برای قسمت خلیج که از همه جا بیشتر وسائل قاچاق فراهم است تقریباً در یکی دوماه قبل يك پیشنهادی بمجلس شده است که اداره گمرک

برای جلوگیری از خروج نقره قاچاق و مال التجاره قاچاق چنانچه يك مال التجاره قاچاق هم در اصفهان پیدا شده است که می فروشند و گمرک ندارد و آنها هم از قسمت خلیج آورده اند و فعلاً هم دولت چند کشتی دارد که به درد قاچاق گیری نمی خورد و برای تهیه وسائل جلوگیری اداره گمرک پیشنهاد کرده است که بازده کشتی کوچک موثردار و شرعاً دار تهیه کنند که در امتداد خلیج پستهای تفتیش بگذارند که این کشتی های کوچک بخوبی می توانند قاچاقچی را تعقیب کنند و از این راه نه فقط جلوگیری از خروج طلا و نقره می شود بلکه برای گمرک هم صرفه دارد و همینطور در برازجان و اصفهان دوسه پست تفتیش از برای جلوگیری از قاچاق لزوم داشتند حالا اگر مجلس شورای ملی معتقد است این رأی که داده بموقع اجراء بگذارند باید این قسمت را که راجع بوسائل این امر است زودتر تصویب بفرمایند که بشود وسائلش را فراهم کرد اگرچه در قسمت بری هم دولت اقدامات کرده و باروسای طرف جنوب مذاکراتی شده است ولی جلوگیری از بحری خیلی مشکل است استدعا می کنم زودتر کمیسیون بودجه رأی خودش را بدهد که وسائل تسهیل اجرای رأی مجلس فراهم آید

رئیس - راجع به کنترات د کتر و بلهلم اشتباهی شده است می بایستی باورقه رأی گرفت

(اخذ و استخراج آراء بعمل آمده نتیجه بترتیب ذیل حاصل گردید)

عده حضار - (غیر معلوم - ورقه سفید علامت قبول (۴۵) ورقه کبود علامت رد رئیس - با اکثریت ۴۵ رأی تصویب شد.

(مجلس یکساعت و ربع بعد از ظهر ختم شد)

جلسه ۱۹۷

صورت مشروح مجلس یوم

چهارشنبه پنجم جدی ۱۳۰۱

مطابق هشتم جمادی الاولی

۱۳۴۱ مجلس دوساعت

قبل از ظهر بر ریاست آقای

مؤتمن الملک تشکیل

گردید

صورت جلسه یوم ۳ شنبه چهارم

جدی را آقای امیر ناصر

قرائت نمودند

رئیس - آقای آقاسید فاضل

(اجازه)

آقاسید فاضل - بنده را جزء دیر

آمدگان بی اجازه نوشته اند در صورتیکه

بتوسط کمیسیون از مقام ریاست استعجازات

کرده بودم

رئیس - باید بکمیسیون مراجعه

کرد *

آقای داور

(اجازه)

آقای امیرزاعلی اکبر خان داور

بنده خواستم تقاضا کنم راجع به نمایندگی آقای دانش از نیشابور و آقای لسان الملك از جهرم چون راپریشان حاضر و تقدیم مجلس شده است جزء اول دستور باشد *

رئیس - آقای نصرت الدوله *

(اجازه)

نصرت الدوله - بنده در دستور

عرضی ندارم *

عرضم راجع بمسئله دیگریست.

رئیس - در دستور مخالفی نیست؟

آقای نصرت الدوله

(اجازه)

نصرت الدوله - بنده دیروز در

خانه مجلس اجازه خواسته بودم که مسئله را بر عرض آقایان برسام و چون مسئله مهمی است خاطر محترم آقایان را جلب کنم ولی میل داشتم آقای وزیر مالیه هم تشریف میداشتند و سابقه درین مسأله پیدا میکردند.

در اصل بیست و دوم قانون اساسی که مینویسد «موردیکه قسمتی از عایدات یا دارائی مملکت منتقل یا فروخته میشود یا تغییری در حدود و ثغور مملکت لزوم پیدا میکند به تصویب مجلس شورای ملی خواهد بود» گاهی برای بعضی تولید اشتباه میشود زیرا در معنی صحیح دارائی دولت و تطبیق آن با عایدات شاید بعضی قائل بتعبیر و تفسیر باشند

اصل موضوع اینکه (مطابق آن چه من شنیده ام) دولت مذاکره استقراری به عنوان اوانس از بانک شاهنشاهی کرده و شاید مبلغی هم گرفته و در مقابل عایدات نفت جنوب را واگذار کرده یا وثیقه گذاشته است، گرچه این مسئله در وزارت مالیه و ادارات دولتی معمول به بوده است که در مواقع احتیاج بآنک شاهنشاهی مراجعه میکردند و یک اوانس هائی میگرفته اند و محل هائی را عوض میداده اند و شاید هم در حدود عملیات یک ساله بودجه معامله از طرف وزارت مالیه با بانک شاهنشاهی ممنوع نباشد ولی بنده نمیدانم آیا میتوان چنین معامله را بدون تصویب مجلس نمود و در مقابل یک عایدی از عایدات دولتی را مثل نفت جنوب بگرو داد یا نه *

این مطلب امر مهمی است. عایدات نفت جنوب از منابع مسلم و معتبر دولت است و گرو گذاشتن آن در مقابل یک قرض یا اوانس (بعقیده بنده) اگر پرداخت آن از بودجه یک سال تجاوز کرد انتقال است و گمان نمیکم چنین معامله بدون تصویب مجلس صحیح باشد. مادرین مواد بخصوص

باید خیلی دقیق باشیم ولو اینکه چنین معامله ممکن بود از محل دیگری بشود

ولی این محل بالاخص جالب توجه نمایندگان محترم باید باشد و ما باید همیشه ناظر باشیم معاملاتی که صورت اعادی است ما را دچار اشکال نکنند و از طرفی هم بنده فرض میکنم که گرفتاریهای جاریه ما و کارهای لایح و قانونی که داریم یک عدد مسائل عمده سیاسی که از اول این دوره در نظر عموم آقایان بود و از نقطه نظر اقتصادی و ترقی صنایع و تجارت مملکت ما را مجبور بجلب سرمایه های امریکائی و خواستن مستشارها در مالیه و رفم کردن مالیه بدست آن ها بود که حقیقتاً یکی از مسائل عمده بود که مجلس تعقیب کرد و موفقیت یافت ولی ما باید بیدار باشیم و بدانیم که ممکن است از هر طرف و بهر وسیله با صورت هائی که در بدو امر قابل سوءظن نیست و شاید نتوان آن را مخالف صلاح مملکت دانست راجع به نفت جنوب رفتار کنند و در عاقبت ترتیباتی اتخاذ نمایند که بکلی مسئله عایدات نفت

جنوب عقیم بماند. بلی اگر حقیقتاً دولت ایران احتیاج بخارجی پیدا کند و بخواهد از آمریکا یا دولت دیگری که نسبت بایران نظر سیاسی نداشته باشد قرض کند البته بدون وثیقه و اطمینانی بدولت ایران قرض نخواهند داد و برای ما هم بهتر و سهلترین و بی دردسرترین وثیقه ها عایدات نفت جنوب است. آقایانی که در کمسیون خارجه بوده اند از ابتدای تشکیل کمسیون میدانند که چه وحشتها و ملاحظاتی داشتیم که در باب عایدات نفت جنوب چه اشکالاتی میخواستند تولید کنند و این عایدی را از دست ما خارج نمایند زیرا این عایدی برای ما عایدی آزاد است و تا امروز هیچگونه قیدی مثل قیود عایدات گمرک و سایر عایدات ما بران تعلق نگرفته و حقیقتاً این عایدی منظم و مرتب اروپائی است که مورد هیچگونه تردید و اشکال برای هیچ تاجری نمیتواند باشد و وثیقه گذاردن آن هم هیچ نوع الزام و احتیاجی در عملیات و نظارت ندارد. ما میخواهیم این عایدی را در دست داشته باشیم و حفظ کنیم و در مقابل مادیگران هم میخواهند بهر نحوی که باشد آن را مقید بقیدی نمایند و من میترسم از راه آوانس دادن بدولت ایران و قرار پرداخت آن را از عایدات نفت جنوب گذاردن. قیدی را که از آن میبهره میزنیم بدین محل معین و مهم ما بگذارند. باین ملاحظه خواستم اصل بیست و دوم را بحضور آقایان یادآور شوم و راجع باین مسئله مهم نظر آقایان را جلب کرده باشم و چون ممکن نبود در ضمن یک سؤال از وزیر مالیه اظهارات را بیان کرد لازم دانستم که مقدمتاً خاطر آقایان را متوجه کنم تا بعد از وزیر مالیه هم سؤال بنمایم و البته یقین دارم آقایان هم بهیچوجه تصدیق نخواهند کرد که

این محل مقید بقیودی شود که اگر فردا خواستیم بتوسط آن عایدی کار میکنیم نتوانیم (صحیح است، صحیح است)

(راپرت شعبه دوم راجع بنمایند نیشابور بشرح ذیل قرائت شد:)

شعبه دوم در جلسه سه شنبه اول برج جدی بدوسیه انتخابات نیشابور رسیدگی کرده چون بجزریان انتخابات اعتراض وارد ندید نمایندگی آقای میرزا محمد دانش را که با کثرت شش هزار و یکصد و نود و یک رأی از هشت هزار و دویست و پنجاه رأی از نیشابور انتخاب شده اند باتفاق آراء تصدیق می نمایند *

(مخبر شعبه علی اکبر داور)

رئیس - مخالفی ندارد؟

(گفته شد خیر)

رئیس - آقایانیکه نمایندگی آقای دانش را از نیشابور تصویب میکنند قیام فرمایند (تماماً برخاستند)

رئیس - تصویب شد

(راپرت شعبه دوم راجع بنمایند جهرم بمضمون آتی خوانده شد)

شعبه دوم بدوسیه انتخابات جهرم رسیدگی کرده پس از مطالعه اوراق شکایات اعتراضاتی را که بر انتخابات کرده بودند مهم ندیده نمایندگی آقای لسان الملك را که با کثرت دوهزار و سیصد و چهارده رأی از سه هزار رأی از جهرم انتخاب شده اند تصدیق مینماید

رئیس - مخالفی ندارد؟ آقایانیکه به نمایندگی آقای لسان الملك را از جهرم تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. راپورت کمسیون بودجه راجع بوریه مرحوم مشیر رسائل مطرح است *

آقای تدین

(اجازه)

تدین - بنده اساساً باین لایحه موافقم ولی با طرز پیشنهاد مخالفم و علت مخالفتم هم این است که دولت در این مورد خاص پیشنهاد کرده است که این مستمری منتقل بوریه تومانی تومان پرداخته شود و عقیده بنده اینست که این مسئله نباید اختصاص بوریه مرحوم مشیر رسائل داشته باشد و دولت باید مطابق قانون وظائف رفتار نماید و آنچه که بعد از فوت صاحب مستمری قانوناً بوریه منتقل میشود عموماً تومانی تومان بدهد.

البته خاطر آقایان مسبوق است که در سنه قوی ثل بعد از آنکه مجلس مقداری از مستمریات را تصویب کرد در نظر گرفت که این مستمریات حق دائمی برای اشخاص نباشد و از این نقطه نظر قانون وظائف را وضع نمود.

در این قانون مخصوصاً قید شده است که مستمریات قانونی بعد از فوت صاحبش

تا مدت پانزده سال بوریه اش منتقل میشود و بعد از انقضاء مدت پانزده سال بکلی قطع میشود.

بعد در متمم ترتیبات دیگری نوشته شد و حتی الامکان سعی بعمل آمد که مقدار مستمری بعد از فوت صاحبش کسر شود و ترتیبی که در متمم قانون وظائف نوشته شد این بود مستمری بعد از فوت صاحبش اگر از پانصد تومان تجاوز نکند نصف آن را دولت ضبط کند نصف دیگرش را تا مدت پانزده سال در حق ورثه برقرار کنند.

اگر از پانصد تومان تجاوز کرد یعنی از یک یا نصف و یک تومان تا هزار تومان را دو عمل مجری میدارند باین طریق که پانصد تومان اول را نصف و پانصد تومان دوم را سه قسمت میکنند و نصف از پانصد تومان و یک ثلث از پانصد تومان را در حق ورثه تا مدت پانزده سال برقرار میکنند و از هزار و یک تومان تا هزار و پانصد تومان، پانصد تومان سوم را چهار قسمت نموده سه ربعش را ضبط و یک ربع آن را تا مدت پانزده سال درباره ورثه برقرار میکنند و از هزار و پانصد و یک تومان تا دو هزار تومان پانصد تومان چهارم را دولت پنج قسمت نموده چهار خمس آن را ضبط و یک خمسش در حق ورثه تا پانزده سال برقرار میگردد.

بنابر این اگر کسی هزار تومان مستمری داشته باشد بعد از فوتش نصف پانصد تومان اول و ثلث پانصد تومان ثانی را بوریه اش می دهند و بقیه را دولت ضبط می نماید.

نسبت بمستمری مرحوم مشیر رسائل هم همینطور رفتار شده است:

اصل مستمری مرحوم مشیر رسائل پانصد و بیست تومان بوده و دولت نصف پانصد تومان اول را که دویست و پنجاه تومان باشد باضافه ثلث بلا کسر بیست تومان (که جزء پانصد تومان دوم است و شش تومان میشود)

مطابق قانون وظائف در حق ورثه مشیر رسائل برقرار نموده و چنانکه ملاحظه میفرمائید دویست و پنجاه و شش تومان مستمری برایشان نوشته اند.

عقیده بنده اینست که پس از این همه کسرو حذف مطابق متمم قانون وظائف آنچه بوریه منتقل میشود چون مدت هم محدود و تا پانزده سال بیشتر نیست دولت بایست بلا استثناء تومانی تومان بپردازد. این چه ظلمی است نسبت باشخاص میشود یا این که یک مرتبه دولت پیشنهاد کند که عموم وظائف قطع شود و اگر مجلس صلاح دید قطع کند.

یا اینکه عموماً که مطابق قانون این همه حذف و کسر و بلاها بر سرش می آورند تومان تومان بپردازند.

من نمیدانم چه سبب دارد که یک مقدار

حقوقی ها را تومانی دوربال و يك مقدار را تومانی پنج قران دولت پیشنهاد کرده است و در این موضوع بخصوص بنظر لطف نگاه کرده و تومانی تومان پیشنهاد نموده است.

بنده مخالف با پرداخت این حقوق نیستم زیرا علاوه بر آنکه قانوناً باید تومانی تومان پرداخت شود و رتبه مرحوم مشیر سائل حقیقاً هم مستحق ولى بنده عرض میکنم که باید رعایت قانون وظائف بشود و بنده نمى دانم این عقیده خود را چه طور پیشنهاد کنم.

بعقیده بنده باید بدولت اطلاع داده شود که بطور عموم پس از فوت صاحبان مستمریات قانونی مطابق قانون وظائف آنچه بمرتبه منتقل مى شود تومانی تومان بپردازند.

در عین اینکه با پرداخت این حقوق به رتبه مرحوم مشیر سائل کاملاً موافقم.

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - باینکه يك قسمت از فرمایشات آقای تدین را کاملاً تصدیق مى كنم ولى عرض مینمایم چون موضوع خیلی مهم است نمیشود بدولت يك مرتبه نوشت که تمام مستمریات را تومان تومان بدهند و این مسئله منوطاً به طرح قانونی است که در مجلس آمده و مطرح شود.

بهر جهت چون در مرحوم مشیر سائل بی نهایت بی چیزند بهتر اینست عجلاناً این مستمری را تصویب نمایم و سابقاً در مجلس بگذراند زیرا در سال اولاد و بیست هزار تومان راجع به این موضوع به دولت ضرر می خورد.

(جمعی گفتند مذاکرات کافی است)

مخبر - برای اینکه می بینیم تذکری که آقایان تدین دادند تقریباً قابل توجه تمام آقایان شده است.

سید فاضل - خبر قابل توجه نشده است و بنده بکلی مخالفم.

نصرت الدوله - بهر جهت بهتر اینست که عجلاناً راجع به مستمری رتبه مرحوم مشیر سائل رای گرفته شود بعد آقای تدین راجع بتذکری که دادند پیشنهادی بنویسند اگر قابل توجه اکثریت مجلس شد با دولت در کمیسیون مذاکره میشود تا تکلیفی معین گردد.

رئیس - رای میگیریم به این لایحه که قرائت شد آقایانی که تصویب میکنند

(آقایان امیر ناصر و مستشار السلطنه استخراج نموده بطریق ذیل نتیجه حاصل شد)

عده حضار اعلان نشده، ورقه سفید: ۶۰، ورقه کبود: ۵۰ امتناع: ۳۰ رئیس - با اکثریت شصت رای تصویب شد.

ماده واحده راجع بشهریه میرزا مهدی اشتهاوردی مطرح است.

(بشرح آتی قرائت شد) ماده واحده وزارت مالیه مجاز است که از شانزدهم برج سنبله تا آخر حوت هذمه السنه ماهی پنجاه تومان شهریه در باره آقای آقا میرزا مهدی اشتهاوردی به بپردازند.

رئیس - آقای محقق العلماء (اجازه)

محقق العلماء - از اول افتتاح مجلس که این لوائح شهریه ها آمد بنده بیان مخالفت خود را کرده ام و حالا هم تا آخر که این لوائح روی هم گذاشته شده باز هم مخالفم.

یکجا داد میزنند که دولت ندارد و باید استعراض کند آخر منبع این پول دادن از دوجا بیشتر نیست یا اینکه باید خانه فروخت و آورد و داد یا آن که باید تجمل بر عاروف قراء و ضعفا کرد که آن بیچاره ها بروند کتیرا و هیزم جمع کنند و بفروشند وقتی که جمع شد ماهی پنجاه تومان باین و آن بدهند.

بنده با تمام قوی مخالفت خود را با این شهریه ها اظهار می کنم - خودمى - دانند.

مخبر - بنده قطع دارم که اگر آقای محقق العلماء سابقه بموضوع شهریه آقای اشتهاوردی داشته هیچ اظهار مخالفت نمى کردند.

يك دفعه دیگر این را برت از کمیسیون بودجه بمجلس آمدم و هیچ اشکال و گیری در تصویبش نداشتم جز این که در این موقع از بنده توضیحی خواستند و چون ناخوش بودم نتوانستم جواب عرض کنم

والا میرزا مهدی اشتهاوردی شخصی است ادیب و فاضل و زحمت کشیده و حالا چندین گرفتار مرض عصبانی شده حال رعه و تشنج او را از کار انداخته باین مناسبت دولت

پنجاه تومان پیش نهاد کرده است در حق ایشان برقرار شود و اگر حضرت تعالی مخالف با کلیه مخارج بودید و مجلس هم موافقت میکرد و هیچ مخارج لازم را دولت نمیداد تا این مخالفت مورد نداشت ولى در اینجا تصور مى كنم آقای محقق العلماء هم موافقت خواهند کرد فقط توضیحى مى خواهم عرض کنم:

در این راپرتی که داده شده چنانکه ملاحظه میفرمائید از شانزدهم برج سنبله نوشته است تا آخر حوت هذمه السنه پس از این از طرف دولت مراسله بکمیسیون رسید که مضمونش را آلمان میخوانم:

مجلس مقدس شورای ملی آقای میرزا مهدی اشتهاوردی که از فضلاء و متجاوز از دوازده سال در مدرسه علوم سیاسى مشغول تدریس صرف و نحو و ادبیات و منطق بوده اند و در این مدت محصلین از وجود ایشان استفاده کامل نموده اند و نیز در مدرسه فزاقخانه مشغول بتدریس بوده که جمعا از مدرسه سیاسى و فزاقخانه ماهی يك صد تومان حقوق داشته اند.

لیکن دوسال است مبتلا بمرض عصبانی شده و اخیراً ایشان را از اشتغالات فکری منع نموده اند چون مشارالیه جز حقوق مدرسه راه معاشی ندارند و رعایت حال ایشان لازم است لهذا وزارت امور خارجه ماده واحده ذیل را پیشنهاد مینماید ماده واحده - نظر بر رعایت حال آقای میرزا مهدی اشتهاوردی معلم سابق مدرسه سیاسى مجلس شورای ملی ماهی پنجاه تومان حقوق تقاعد در باره مشارالیه تصویب می نماید.

حالا بعقیده بنده اصلاحش دو صورت دارد: یکی اینکه در لایحه نوشته شود تا موقعی که قانون استخدام معلمین از مجلس بگذرد این شهریه در حق او برقرار شود دیگر آنکه بطور پیشنهاد دولت تا موقع رفع نواقص و تجدید قدرت او بتدریس در مدرسه رای داده شود و بنده گمان میکنم تا موقعیکه قانون استخدام معلمین از مجلس بگذرد باصول نزدیکتر است و گمان میکنم رفقا کمیسیون بودجه هم با این نظریه موافقت نمایند و در اینصورت تقاضا دارم اصلاح باین ترتیب شود که: از شانزدهم برج سنبله تا موقعی که قانون استخدام معلمین از مجلس شورای ملی بگذرد

(گفته شد مذاکرات کافی است)

رئیس - مذاکرات کافی است؟ (جمعی گفتند کافی است)

(مجدداً راپرت مزبور با اصلاح پیش نهادی مخبر قرائت گردید)

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است که از شانزدهم برج سنبله تا موقعی که قانون استخدام معلمین از مجلس شورای ملی بگذرد ماهی پنجاه تومان شهریه در باره آقای آقا میرزا مهدی اشتهاوردی بپردازد (پیشنهاد آقای کازرونی)

را بعضون ذیل خواندند) بنده پیشنهاد میکنم که در خصوص شهریه آقای اشتهاوردی اینطور اصلاح شود: از برج سنبله تا گاهی که رفع مرض از ایشان بشود

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

آقای میرزا اعلى کازرونى - بنده گمان میکنم تنها شهریه که بجای موقع در مجلس

برقرار شده این مورد است ولیکن من چون معتقدم که باید همیشه استفاده از وجود این قبیل اشخاص عالم و فاضل نمود پیشنهاد کرده ام که تا زمان رفع مرض از ایشان این شهریه پرداخته شود و هر وقتى رفع مرض از ایشان شد باینند و مشغول تدریس شوند این مختصر توضیح بنده

رئیس - آقای آقا سید فاضل (اجازه)

آقای سید فاضل - بنده دیگر مذاکرات را کافی و غیر لازم میدانم ولى محض تذکر با آقای کازرونی عرض می نمایم این مسئله در کمیسیون مذاکره شده و بعد از مذاکرات زیاد باین ترتیب رای دادند چون خیلی از شهریه ها موکول بقانون استخدام شده و قانون استخدام که گذشته این طور بهتر است که شهریه این شخص که کمال استحقاق را دارد تا زمان گذشتن قانون استخدام مخصوص معلمین پرداخته شود و این پیشنهاد از نقطه نظر اینکه سوابق آقای اشتهاوردی فوق العاده قابل تقدیر و هفده سال است در مدرسه سیاسى و قبل از آن هم ده سال در مدارس ملی تدریس کرده و مى کنند بی موقع است.

رئیس - آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمایند (عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد رای میگیریم بغير ماده ترتیبی که مخبر کمیسیون اصلاح کرده اند آقایانی که تصویب می کنند ورقه سفید خواهند داد

(استخراج آراء بعمل آمده از عده حضار يك ورقه کبود و يك ورقه بی امضاء و شصت و هفت ورقه سفید علامت قبول داده شد)

رئیس - با اکثریت شصت و هفت رای تصویب گردید آقای قمی (اجازه)

آقای میرزا ابراهیم قمی - لایحه سابق که قرائت شد مشتمل بر چهار فقره بود یکی راجع بمرتبه مشیر سائل و یکی هم راجع باشتهاوردی و دیگری راجع بعباسقلی خان منتظم الملک است که چون خیلی پریشان و فقیر است تقاضا میکنم آنهم امروز جزء دستور شود

رئیس - آقای نصرت الدوله (اجازه)

نصرت الدوله - تقاضائی که آقای قمی میکنند راجع بلایحه است که يك قسمت آن راجع بمشیر سائل بود گذشت و لایحه شهریه اشتهاوردی جدا گانه بود و بنده تقاضا میکنم لایحه راجع بامراض حیوانات جزء دستور شود.

رئیس - آقای قمی! جناب عالی تقاضای تقدم میکند؟ آقا میرزا ابراهیم قمی - بلى

رئیس - آقایانی که تقاضای آقای قمی را تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد (فقره سوم لایحه مزبوره قرائت گردید)

ماده واحده - مجلس شورای ملی تصویب می نماید که ماهی ۲۵ تومان در باره عباسقلی خان منتظم الملک از تاریخ تصویب برقرار و پرداخته شود تا موقعی که قانون استخدام بموقع اجراء گذاشته شود و پس از آن مشمول قانون تقاعد مستخدمین روات خواهد بود

رئیس - مخالفی نیست؟ (گفته شد خیر)

رئیس - رای میگیریم باین لایحه: آقایانی که تصویب مینمایند ورقه سفید خواهند داد

(استخراج آراء بعمل آمده)

رئیس - با اکثریت پنجاه و هفت رای تصویب شد

آقای سهام السلطان (اجازه)

سهام السلطان - عجلاناً عرضی ندارم

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - این لایحه که امروز مطرح شد دارای چهار ماده بود یکی قسمت راجع بمشیر سائل دیگری راجع بعباسقلی خان و دو قسمت دیگر باقی مانده است یکی از اینها راجع بمرتبه يك نفر مستخدم مجلس است که مرحوم شده و پسر او را باید بمدرسه گذارند که تحصیل کند و تصور نمی كنم مخالفی در این باشد زیرا بكنفر مستخدم که مدتی زحمت کشیده و مطابق قانون تقاعد دو تومان در حق اولادش آنهم برای تحصیل برقرار کنند چیزی نیست، دیگری راجع بدو پسر بهادر السلطنه است خودش هر چه بوده من نمیدانم ولى چون برای خرج تحصیل است و مطابق ماده ۵۱ است و اگر این دو مورد بماند مدت هادر کمیسیون خواهد ماند اینست که تقاضا میکنم در این دو قلم رای گرفته شود تا این سه طفل بمدرسه بروند و نتیجه و ثمرش در آتیه عاید ما شود

رئیس - آقایان این لایحه که امروز مطرح شد دارای چهار ماده بود یکی قسمت راجع بمشیر سائل دیگری راجع بعباسقلی خان و دو قسمت دیگر باقی مانده است یکی از اینها راجع بمرتبه يك نفر مستخدم مجلس است که مرحوم شده و پسر او را باید بمدرسه گذارند که تحصیل کند و تصور نمی كنم مخالفی در این باشد زیرا بكنفر مستخدم که مدتی زحمت کشیده و مطابق قانون تقاعد دو تومان در حق اولادش آنهم برای تحصیل برقرار کنند چیزی نیست، دیگری راجع بدو پسر بهادر السلطنه است خودش هر چه بوده من نمیدانم ولى چون برای خرج تحصیل است و مطابق ماده ۵۱ است و اگر این دو مورد بماند مدت هادر کمیسیون خواهد ماند اینست که تقاضا میکنم در این دو قلم رای گرفته شود تا این سه طفل بمدرسه بروند و نتیجه و ثمرش در آتیه عاید ما شود

رئیس - با اکثریت شصت و هفت رای تصویب گردید آقای قمی (اجازه)

آقای میرزا ابراهیم قمی - لایحه سابق که قرائت شد مشتمل بر چهار فقره بود یکی راجع بمرتبه مشیر سائل و یکی هم راجع باشتهاوردی و دیگری راجع بعباسقلی خان منتظم الملک است که چون خیلی پریشان و فقیر است تقاضا میکنم آنهم امروز جزء دستور شود

رئیس - آقای نصرت الدوله (اجازه)

نصرت الدوله - تقاضائی که آقای قمی میکنند راجع بلایحه است که يك قسمت آن راجع بمشیر سائل بود گذشت و لایحه شهریه اشتهاوردی جدا گانه بود و بنده تقاضا میکنم لایحه راجع بامراض حیوانات جزء دستور شود.

رئیس - آقای قمی! جناب عالی تقاضای تقدم میکند؟ آقا میرزا ابراهیم قمی - بلى

تحصیل پسر میرزا حسین خان مستخدم سابق مجلس آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند) رئیس - تصویب شد

رئیس - تصویب شد

ماده ولى میرزا - بنده مجبورم راجع در اینجا راجع باین پیشنهادی که در خصوص اولاد بهادر السلطنه شده و در مجلس شورای ملی مطرح است بعضی اطلاعاتی که دارم عرض کنم: که بهادر السلطنه یکی از عاملین فوای اسمعیل آقای سیمینو بوده است و عده از اشرار را در ورخود جمع نموده متجاوز از يك کرور باهالی سقر و دهات اطراف این شهر خسارت وارد آورده با فوای ملی طرف شد و مقداری از ائندارها در دست او اسیر شدند و آنها را تماماً کشت و بنده ناچارم این مسائل را متذکر شوم دیگر آقایان مختارند.

رئیس - مخالفی نیست؟ (گفته شد خیر)

رئیس - رای میگیریم باین لایحه: آقایانی که تصویب مینمایند ورقه سفید خواهند داد

(استخراج آراء بعمل آمده)

رئیس - با اکثریت پنجاه و هفت رای تصویب شد

آقای سهام السلطان (اجازه)

سهام السلطان - عجلاناً عرضی ندارم

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - در قانون استخدام اگر آقایان فراموش نموده باشند ماده هست که باین مورد بر میگردد:

نوشته هر کس محکوم شد محکومیت راجع بغير اوست و محکومیت آن شخص راجع بدیگران نیست و بر طبق قانون عدل و انصاف نمى شود قصیر دیگری را بگردن کس دیگر بگذارند:

این شخص خودش مقصر است، بچه های او چه قصیری کرده اند، مامی خواهیم بچه کوچک را تربیت کنیم که این تقصیر از او سرزند و اگر ما باین فلسفه قائل باشیم که هر کس بد است بچه او را نباید تربیت کرد هیچوقت روبرو نمی رویم. باید اطفال را نوهی تربیت کرد که بعد از این انشاء الله اشخاص خادمی برای آتیه این مملکت بشوند. از آقایان استدعا میکنم که در اینخصوص موافقت بفرمایند و برای هر يك این ماهی ده تومان را تصویب نمایند که آنها مشغول تحصیل شوند.

رئیس - آقایانی که تصویب می کنند تاسن بیست سالگی بیست تومان بدو نفر اولاد بهادر السلطنه داده شود قیام فرمایند (غالب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. رای می گیریم به مجموع این دوشهریه باورق: آقایانی که تصویب می کنند ورقه سفید خواهند داد.

(استخراج آراء بعمل آمده از عده حضار پنجاه و سه ورقه سفید و شش ورقه کبود و هشت رای امتناع اخذ شد)

رئیس - با اکثریت پنجاه و سه رای تصویب شد. لایحه اعانه ارومیه میباید برای

بعد از تنفس. (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید و آقای امیر ناصر لایحه مساعدت باهالی ارومیه را بشرح آتی قرائت نمودند)

ماده ۱ - مبلغ پانصد هزار تومان بدولت اعتبار داده میشود که بترتیبی که مقتضی دانند بطور قرض بمالکین و اهالی غارت زده ارومیه و سلماس و سولدوز و انزلی و يك قسمت از قراء خوی که قادر با بادی املاك خود نباشند پرداخته شود که از تاریخ اول میزان ۱۳۰۲ در ظرف دوسال بچهار قسط بدولت مسترد گردد.

ماده ۲ - معادل چهار هزار خروار غله بزارعین و دهاقین نقاط مذکوره فوق مستقیماً و بواسطه مالکین برای بندر و معیشت مجاناً و بلا عوض داده شود باستثنای اشخاصی که قادر بر آبادی املاك خود هستند.

ماده ۳ - کلیه مالیات های مستقیم صفحات ارومیه و سلماس و سلدوز و اتراب و يك قسمت از قراء خوی ازین تاریخ تا سه سال تخفیف داده شده و مطالبه نخواهد گردید.

ماده ۴ - وزارتین داخله و مالیه مأمور اجرای مواد فوق هستند.

رئیس - باینکه يك شور بشود یا دو شور؟

مخبر - دو شور باید بشود. رئیس - بغور بنش رای داده شده باید که يك شور بشو. آقای محمد هاشم میرزا، (اجازه)

محمد هاشم میرزا - در موقعی که دولت این پیشنهاد را به مجلس نمود این طور مذاکره شد که در مقابل این مساعدتی که باهالی ارومیه و غیره میشود املاك آنها را بوثیقه بگیرند و باین ترتیب رای داده شد و بنده نمیدانم این چه طور خواهد شد، مثلاً باید یکی را مجانی پول بدهند چون چیزی ندارد که وثیقه بگیرند و از دیگری باید وثیقه گرفته شود و بالاخره بعقیده بن

